

سرقت در شش ماه

سوگرفتون / علیرضا افشاری



انتشارات لیوسا

گرفتون، سو، ۱۹۴۰ - مترجم: علیرضا افشاری. تهران: لیوسا، ۱۳۸۶.
۳۳۳ ص.

ISBN: 964-5634-83-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات قیفا.

Three Complete novels, 1999

عنوان اصلی:

داستانهای پلیسی آمریکایی - قرن ۲۰ م.

۱۳۸۶ ۴۷۷ PS۳۵۶۷

۸۱۳/۵۴

۳۱۶۸۹ - ۸۵ م

کتابخانه ملی ایران



سرقت در شش ماه

سوگرفتون / علیرضا افشاری

ناشر: لیوسا

چاپ اول: ۱۳۸۶

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

چاپ: غزلباران

صحافی: منصوری

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

ISBN: 964-5634-83-0

شابک: ۹۶۴-۵۶۳۴-۸۳-۰

آدرس: خیابان انقلاب - بعد از خیابان وصال - جنب سینما سپیده -

کوچه اسکو - پلاک ۱۶ - تلفن: ۶۶۴۶۴۵۷۷ - ۶۶۹۶۳۰۳۵

فروش الکترونیکی: WWW.Iketab.com

سایت الکترونیکی: WWW.liusa.ir

پست الکترونیکی: Liusa_publish@yahoo.com

مقدمه

اسم من کنسی ملون است. همیشه موضوع را با معرفی خودم شروع می‌کنم و نهایتاً با مشخص کردن حقایق اصلی می‌توانم سر از راز و رمز اتفاقات در بیاورم. سی و دو سال سن دارم و تنها زندگی می‌کنم. زنی که برای خود کار می‌کند و هیچ آقابالاسری در زندگی ندارد. وقتی بیست ساله بودم وارد آکادمی پلیس و پس از فارغ التحصیلی در اداره پلیس سانتاترسا^۱ مشغول به کار شدم. درست نمی‌دانم چرا این شغل را انتخاب کردم، ولی خوب همیشه تصورات ایده‌آل‌گرایانه‌ای از قانون داشتم. انسان‌های خوب علیه انسان‌های بد و دادگاه‌هایی که هر از چندگاهی باید در آنها حضور می‌یافتم و برای محکومیت انسان‌های بد شهادت می‌دادم. در دیدگاه من تمام آدم‌های بد به زندان می‌رفتند و بقیه در کمال آرامش و سلامت به زندگی خود ادامه می‌دادند. اما پس از مدتی فهمیدم که این تصور من از قانون چقدر بچگانه و ساده‌لوحانه است. آن وقت‌ها به پلیس‌های زن به چشم موجوداتی فضول‌نگاه می‌کردند و این قید و بندها و

محدودیت‌ها باعث ناامیدی من شد. اصلاً دوست نداشتم روزهای زندگیم را با دفاع در برابر توهین‌ها و یا ثابت کردن اینکه چه زن محکم و مقاومی هستم سپری کنم. گذشته از اینها درآمد هم آن قدر نبود که ارزش تحمل این همه مصیبت را داشته باشد. بنابراین استعفا دادم و از پلیس سانتاترسا جدا شدم. حدود دو سال حرفه‌های گوناگون را امتحان کردم، اما هیچ کدام برای من جذابیت حرفه خودم را نداشت. من واقعاً معتاد ماجراجویی و هیجان شده بودم. به همین خاطر به یک مؤسسه تحقیقاتی پیوستم و دو سال دیگر را صرف آموزش در خصوص این حرفه کردم تا اینکه با در دست داشتن یک مجوز و تعهدنامه دفتری برای خودم باز کردم. الآن حدود پنج سال است که مشغول این کار هستم و از این راه گذران زندگی می‌کنم. من نسبت به گذشته باتجربه‌تر و پخته‌تر شده‌ام، اما حقیقت این است که هر وقت کسی به من مراجعه می‌کند نگران اتفاقاتی هستم که قرار است برایم بیفتند و من هیچ اطلاعی از آنها ندارم.